

نادره افشاري

نمی‌دانم در کجا از قول علي شریعتي خواندم که برای شناختن يك دين، باید خدای آن دين را شناخت. در این نوشته نمی‌خواهم وارد بحث کلامی «خدا شناسی» و «خود را بشناس تا خدای خود را بشناسی» و داستان‌هایی از این دست بشوم. روحانیون و جسمانیون اسلامی آنقدر در این باب نوشته‌اند که برای همه‌ی خداشناسان و حتی خدا شناسان زنده و مرده کافی است. اگر کسی 950 سال هم عمر نوح افسانه‌ای را داشته باشد، از پس خواندن آن همه نوشته بر نمی‌آید. به همین دلیل می‌خواهم در این بحث، خدای محمد را که در زبان اسلامی‌اش «الله» خوانده می‌شود، از زبان خود محمد و به قول مسلمانان از زبان قرآن و شخص «الله» به تصویر بکشم و نشان بدهم که خدای محمد و علي چگونه خدایی است و رابطه‌ای که با انسان‌ها یا در تعریف همین مسلمانان، با بندگانش برقرار می‌کند، چگونه است، و او خود را در کجای سلسله مراتب اداری احترامات جای داده است و انسان‌ها چه مقامی در این سلسله مراتب دارند؟!

مجبورم برای شناخت «الله» به کتاب «قرآن» مراجعه کنم که به گفته‌ی محمد هر رطب و یابسی در آن نوشته شده است و تمام رموز زندگی و تمام قوانین و همه‌ی علوم بری و بحری و فضایی برای همه‌ی پهنه‌ها و همه‌ی زمان‌ها و برای تمامی ملت‌ها با تمامی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در آن مستتر است و اگر کسی به این دین بگردد و این «الله» را بپرسند، بار تمام مسئولیت‌ها از دوشش برداشته می‌شود و تمام زندگی‌اش خلاصه می‌شود در پیروی از احکام این «الله» و پیامبر این «الله» و اجرای دستورالعمل‌های نقل شده در کتاب این «الله» یعنی قرآن. پس دست اول‌ترین و مستقیم‌ترین وسیله‌ی شناخت این «الله» مراجعه به همین کتاب است. البته می‌شود برای محکم‌کاری از سخنان قصار محمد و علي و دیگر متولیان و امامان و خلفای اسلامی هم استفاده کرد؛ اما تا زمانی که ما منبع دست اولی مانند قرآن را در دسترس داریم، چرا به حاشیه برویم و به متونی مراجعه کنیم که ممکن است در نقل آن‌ها تاریخ نویسان خست به خرج داده باشند، اشتباه کرده باشند و یا کارهایشان خیلی قابل استناد نباشد!

به دلیل حجم زیاد و تکرارهای فراوان، تنها سوره‌ی گاو [بقره] را برای این کار برگزیده‌ام. دلیل بخصوصی هم نداشته‌ام، شاید به این دلیل که «بقره» بلندترین سوره‌ی قرآن است و جامعیتی که در آن هست - به این میزان - در دیگر سوره‌های قرآن نیست. سوره‌ی گاو دومین سوره‌ی قرآن است. 286 آیه دارد. و در مدینه نازل شده است. لازم به یادآوری است که صفات تکراری را از این مجموعه کنار گذاشته‌ام.

در سوره‌ی گاو یا «بقره» الله کسی است که:

بخشنده و مهربان است.
مرض را در دل مردم افزایش می‌دهد.
بر دل و گوش مردم مهر می‌گذارد.
مردم را مسخره و استهزاء می‌کند.
روشنایی را از مردم می‌گیرد و در تاریکی‌ها رهانشان می‌کند.
بر کافران احاطه دارد.
برای کافران آتش را آماده کرده است.
بین مردم تفرقه می‌اندازد. (2,36)
به کافران جهنم و آتش جاویدان را وعده می‌دهد. (2,39)
باید به او وفا کرد، تا به شما وفا کند. (2,40)
ترسناک است. (40 و 41)
به مردم دستور می‌دهد که همدیگر را بکشند.
برای او کشتاری که انسان‌ها از یکدیگر می‌کنند، ستوده است. (2,54)
بر فرق کسانی که می‌خواهند او را ببینند، صاعقه فرو می‌فرستد. (2,55)
مردگان را پس از مرگ زنده می‌کند.
برای کسانی که به حرفش گوش نمی‌کنند، عذاب آسمانی می‌فرستد.
برای همین مردم که به حرفش گوش نمی‌کنند، خواری و بیچارگی و قرین شدن با خشمش را مقرر می‌کند.
مردمی را که از حد خود تجاوز می‌کنند، تبدیل به بوزینه‌هایی خوار و خاموش می‌کند. (2,65)
هر آنچه را که پنهان است، آشکار می‌کند.
مردگان را زنده می‌کند.
از کردار مردمان غافل نیست.
کسانی را که کتاب [قرآن] را با دست می‌نویسند، تهدید می‌کند. (2,79)
مردم را به جهنم تهدید می‌کند.
مردم را در دنیا خوار می‌کند و در قیامت به سخت‌ترین وجه ممکن شکنجه می‌کند.
کافران را طرد می‌کند.
کافران را لعنت می‌کند.
فضل و کرمش را به هر که بخواهد می‌دهد.
کافران را به خواری عذاب می‌دهد.
کوه طور را بر سر مردم افراشته است.
ستمکاران را می‌شناسد.
زندگی دوستان را تهدید به عذاب می‌کند. (2,96)
دشمن کافران است.
کسانی را که پیمان‌شان را می‌شکنند، رسوا می‌کند.

کافران را به عذابي دردناك تهديد مي‌کند.
هر آيه‌اي را که منسوخ کند، بهتر يا همانندش را مي‌فرستد.
فرمانرواي آسمان‌ها و زمين است.
به همه‌ي کردار مردم بيناست.
در روز قيامت درباره‌ي اختلاف بين يهوديان و مسيحيان حکم خواهد کرد.
مردم حق ندارند به مسجدها جز با ترس و لرز وارد شوند.
برخي از مردم بايد در دنيا و آخرت عذابي بزرگ از سوي او را انتظار داشته باشند.
صاحب شرق و غرب است.
فرزند ندارد.
صاحب همه‌ي زمين و آسمان است و همه هستي فرمانبردار اوست.
زمين و آسمان‌ها را او آفريده است.
اوست که اراده مي‌کند و به چيزي مي‌گويد: بشو و مي‌شود.
او هر که را بخواهد هدايت مي‌کند.
بجز خودش، هيچکس مسئول ورود مردم به دوزخ نيست.
بني اسرائيل را مجبور مي‌کند که از نعمت‌هاي فراواني که به ايشان داده است، ياد کنند.
مردم را تهديد مي‌کند که در آن روز موعود، هيچ فديه و شفاعت و پارايي کمکشان نمي‌کند.
با اين که ابراهيم را خودش به پيامبري مامور کرده است، اما از فرزندان ابراهيم به عنوان ستمکاران ياد مي‌کند. (2، 124)
کعبه را جايگاه امن قرار داده است.
کافران را در آغاز کمي برخورداري مي‌دهد، سپس به عذاب دردناك دچارشان مي‌کند.
از مردم مي‌خواهد که تسليمش شوند.
به نظر خدا، رنگ او از هر رنگي بهتر است!
غافل نيست.
صاحب مشرق و مغرب است.
هر که را که بخواهد هدايت مي‌کند.
خودش مطمئن است که اهل کتاب از قبله‌اي که محمد اختيار کرده، پيروي نخواهند کرد.
پيامبر را تهديد مي‌کند.
همه جا حاضر است.
بايد از او ترسيد تا نعمتش را بر کساني که از او مي‌ترسند، تمام کند.
ناسپاسان را دوست ندارد.
شکيبايان را دوست دارد.
کشته شدگان در راهش را جزو زندگان منظور مي‌کند.
مردم را با ترس و گرسنگي و بيماري و نقصان در محصولات مرتبا آزمايش مي‌کند.
کساني را که به دليلي [مثلا عقلي] قبولش ندارند، هم خودش لعنت مي‌کند و هم وادار مي‌کند ديگران لعنتشان کنند.
کافران را هم خودش لعنت مي‌کند و هم فرشتگانش.
اين افراد را به لعنتي هميشگي گرفتار مي‌کند. هيچ تخفيفي هم به ايشان نمي‌دهد. حتا يك لحظه هم به ايشان مهلت نمي‌دهد.
خيلي‌ها را به سختي عذاب مي‌کند.
کردارهاي مردم را مابه‌ي حسرتشان مي‌کند.
کافران را به کر و لال و کور تشبيه مي‌کند.
مردم بايد در حين استفاده از امکانات دنيا، مرتب او را سپاس گویند.
پنهان کنندگان کتابش را به عذاب آتش در شکم‌هاشان وعده مي‌دهد. در روز قيامت با اين دسته حرف نمي‌زند، فقط عذابشان مي‌کند.
«فصااص» را مابه‌ي زندگي اعلام مي‌کند.
بايد او را به بزرگي ياد کرد. بايد او را سپاس گفت.
اگر او را بخوانند، نزديک است و پاسخ مي‌دهد.
فرمان جنگ و کشتار را شخصا صادر مي‌کند. (2، 190 و 191)
باز هم خودش فرمان جنگ مي‌دهد، تا تنها اسلام در جهان بماند.
فرمان دهنده‌ي تجاوز بر ستمکاران است.
دوستدار نيکوکاران است.
بايد از او ترسيد چرا که به سختي عذاب مي‌کند.
آناني که در اين دنيا چيزي از او مي‌خواهند، در آخرت چيزي نخواهد داد. (2، 200)
به سرعت به حساب همه مي‌رسد.
فساد را دوست ندارد. خودخواهان را به جهنم وعده مي‌دهد.
با کساني که جانشان را در راه او فدا مي‌کنند، مهربان است.
از همه اطاعت مي‌خواهد.
شيطان را دشمن مسلمانان مي‌داند.
مرجع همه‌ي کارهاست.
دگرگون کنندگان نعمت‌هايش را سخت عقوبت مي‌کند.
در روز قيامت، خدا ترسان را بالاتر از کافران قرار مي‌دهد.
به هرکس که بخواهد، بي‌حساب روزي مي‌دهد.
هرکس را که بخواهد، به راه راست هدايت مي‌کند.
جنگ را بر مسلمان‌ها مقرر داشته است، هرچند که آن را ناخوش مي‌دارند.
گناه شرک را از قتل بزرگ‌تر مي‌داند.

تباه کننده‌ی اعمال از دین برگشتگان و کافران است و ایشان را جاودانه در جهنم جای می‌دهد.
تبهکاران را از نیکوکاران باز می‌شناسد.
توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست دارد.
مردان را بر زنان برتری داده است. (2،228)
پیروزمند و حکیم است.
از او باید ترسید.
بیناست.
بر کارهایی که مسلمانان می‌کنند، آگاه است.
به مسلمانان چیزهایی را می‌آموزد که نمی‌دانند.
غالب و حکیم است.
مردگان را زنده می‌کند.
مسلمانان را به جنگ در راهش فرمان می‌دهد.
بر [افکار و کارهای] ستمکاران آگاه است.
دوستدار پافشاری کنندگان است (2،249)
به وسیله‌ی کشتار دفع کننده‌ی برخی بر بعضی دیگر است. از این راه فضل و کرم خویش را ارزانی می‌دارد. (2،250)
برخی از پیامبران را بر برخی دیگر برتری داده است.
اگر می‌خواست مردم با یکدیگر قتال نمی‌کردند. او هرچه که بخواهد می‌کند. (2،254)
خدایی است که جز او خدایی نیست.
زنده و پاینده است.
همه چیز را می‌داند.
جز به اذن او نمی‌توان نزدش شفاعت کرد.
کرسی او در آسمان‌ها و زمین است.
یاور مومنان است.
مردم را به جهنمی که در آن جاویدان عذاب می‌کشند، وعده می‌دهد. (2،257)
ستمکاران را هدایت نمی‌کند.
پاداش هر که را که بخواهد، چند برابر می‌کند.
گشایش دهنده و داناست.
بی‌نیاز و بردبار است.
کافران را هدایت نمی‌کند.
هر که را که بخواهد هدایت می‌کند.
ریاخواران را به جهنم بشارت می‌دهد.
کفران کننده‌ی گنهگار را دوست ندارد.
هر که را که بخواهد می‌آمزد و هر که را که بخواهد عذاب می‌کند.
بی‌همتا است.
بهشت را با همه‌ی امکاناتش تدارک دیده است.
همه‌ی مردم را پس از مرگ زنده می‌کند.
همه چیز را بر روی زمین آفریده است.
هفت آسمان را آفریده است.
نهان و آشکار همه چیز و آسمان و زمین را می‌داند.
بر همه چیز آگاهی دارد.
توبه پذیر و مهربان است.
دریا را برای قوم بنی اسرائیل می‌شکافت.
بخشنده‌ی گناهان است.
توبه را می‌پذیرد و مهربان است.
بر سر مردمان سایه می‌گستراند.
من و سلوی [ترنجبین یا شیرخشت و بلدرچین] برای مردم می‌فرستد.
به مردم از چیزهای پاکیزه روزی می‌دهد.
برخی را هم به بهشت بشارت می‌دهد.
به مومنان بشارت می‌دهد و ایشان را راهنمایی می‌کند.
به کسانی که ایمان بیاورند، پاداش می‌دهد.
به هر که بخواهد می‌بخشد هر آنچه را که بخواهد.
صاحب فضلی بزرگ است.
بر همه کاری تواناست.
فرمانروای آسمان‌ها و زمین است.
فقط اوست که یاور مسلمانان است.